

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

بازخوانی تحزب در نظام اسلامی

محسن مهاجرنیا^۱

چکیده

تجربه احزاب با کارکردها و ظرفیت‌های خود در دنیای مدرن به مثابه موتور محرکه جامعه و سازوکار بهزیستی مورد پذیرش قرار گرفته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل تحزب پذیرفته شده است. تجربه‌های عملی چهار دهه گذشته احزاب نشان می‌دهد که از این نهاد مدنی می‌توان در راستای اهداف جامعه اسلامی بهره گرفت. اما خلأ اساسی‌ای که در طول این سالیان احساس می‌شود آن است که نه نظام اسلامی و مراکز پژوهشی و نه جریان‌های سیاسی و حزبی نتوانسته‌اند برای اصل ۲۶ قانون اساسی، دانش اسلامی برای رفتار حزبی و ایفای نقش‌های اجتماعی آن تولید کنند. چنین دانشی لزوماً بر پایه فقه سیاسی است که با رویکرد اجتهادی باید بتواند موضوع تحزب را به‌درستی شناسایی کند و با تبیین ماهیت کار حزبی، مبانی و اصول آن را ترسیم نماید تا براساس آنها بتوان اساس‌نامه و مرام‌نامه و خط‌مشی احزاب را تدوین نمود. مهم‌ترین دستاورد این تحقیق آن است که با رویکرد و روش تحلیلی و تفسیری به متون دینی توانسته بخشی از مبانی، اصول و کارویژه‌های حزب اسلامی را بازخوانی نماید.

واژگان کلیدی

حزب، حزب اسلامی، نظام اسلامی، قانون اساسی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و رئیس اندیشکده مطالعات انقلاب اسلامی، قم، ایران.
mohsenmohajernia@yahoo.com

درآمد

نظر به اینکه دانش اصیل و بر ساخته‌ای به نام علم سیاست اسلامی و جامعه‌شناسی سیاسی اسلامی هنوز در جوامع اسلامی شکل نگرفته است و عالمان دینی در فقه سیاسی نیز به مقوله حزب ورودی نکرده‌اند، معمولاً در رویکردهای فقهی، مخصوصاً با مشاهده عملکرد احزاب سیاسی، نوعی انکار و ابهام همراه با این پرسش ایجاد شده که اصلاً جامعه چه نیازی به حزب سیاسی دارد؟ بعد از انقلاب اسلامی، گاهی این سؤال مطرح است که چرا این پدیده غربی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد شده است؟ با وجود نظام ولایی، چه نیازی به احزاب است؟ گاهی به تجربه چهار دهه جمهوری اسلامی استناد می‌شود که آیا احزاب به جز ایجاد تفرقه در امت و ایجاد مانع، مشکل، درگیری، نزاع و چالش چه دستاوردی داشته‌اند؟ شاید بر پایه همین تلقی است که مردم به احزاب اقبالی ندارند و نظام حزبی در کشور حامیان جدی پیدا نکرده است (مهاجرنیا، ۱۳۹۶: ۱۵۵). بنابراین تلقی‌ای که از حزب به عنوان سازوکار فعال‌سازی حیات اجتماعی در دنیای غرب وجود دارد، با تلقی فقهی و اسلامی متفاوت است. به نظر می‌رسد نگاه منفی به احزاب قبل از اینکه ناشی از مبانی دینی باشد، ناشی از تجربه‌های منفی‌ای است که از مشروطه و در دوره حکومت پهلوی تاکنون بوده و مبتنی بر مبانی فقهی و مستند به تفکر اجتهادی نیست.

با این وصف، یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، اهتمام به نقش و جایگاه مردم در تعیین سرنوشت خود است. این مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی با عنوان حقوق ملت انعکاس یافته است. سازوکارهای فراوانی برای اعمال این حقوق پیش‌بینی شده که از میان آنها سامانه حزب و ظهور عقلانیت جمعی، افق زیبایی از تعامل و آشتی سنت و مدرنیته را به نمایش گذاشته است. چهل سال پویش کار جمعی و تشکیلاتی، انباشتی از اطلاعات و تجربه در اختیارمان گذاشت تا به خلأ آموزه‌های دینی در عرصه فعالیت‌های حزبی، بیشتر واقف شویم.

۱. تعریف حزب

حزب مترادف با معنای دسته و گروهی از مردم که دارای مرام و مسلک معینی باشد یا افراد یک قوم که بر یک اندیشه و یک کار باشند. «گروهی که دارای قدرت و صلابت باشد» (مصطفی، ۱۳۹۲ق: ج ۱، ص ۱۷۰). برخی حزب را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «تشکیلاتی متشکل از گروهی افراد همفکر و هم‌آرمان، برای رسیدن به اهداف اجتماعی و سیاسی که اغلب فعالیت‌های آنان از طریق شرکت در انتخابات پارلمانی و به دست گرفتن حکومت صورت می‌گیرد» (انوری، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۲۵۱۰).

برخی «حزب» را به معنای «پیروان و یاران همفکر انسان» و هر دسته از مردم همفکر که فکر و عملشان به هم شباهت داشته باشند معنا کرده‌اند (یستانی، ۱۳۸۶: ۹۵). گروهی است که دارای هدف و برنامه مشترک باشند (گروه مطالعات و پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۶۱). حزب به معنای گروه

و جماعتی است که با شور و حماسه از آرمان‌های مشترک خود دفاع می‌کنند: «الحزب جماعة فیها غلظ» (راغب، ۱۳۶۲: ۱۵). در برخی فرهنگ‌نامه‌ها در تعریف حزب به متعلق آن اشاره دارند که تجمع در مکان خاص، تجمع در حمایت یا مقابله با دیگری است (الجر، ۱۳۸۰).

تبارشناسی حزب بیانگر آن است که عمری به درازای جوامع انسانی دارد. در جوامع اولیه تجمعات حزبی به صورت طبیعی در قالب یک گروه هم‌جهت و هم‌عقیده شکل می‌گرفت و کمتر اراده پیشینی و برنامه‌ریزی‌شده‌ای برای تشکیل چنین جمع نظام‌یافته‌ای برای دستیابی به اهداف و مطالباتی مطرح بوده است. اما در دنیای مدرن که بر بنیاد مردم‌سالاری استوار شده است، ساماندهی ارادی به گروه‌های سیاسی بخشی از نظامات زندگی مدرن تلقی می‌شود تا آنجا که در رویکرد رایج جامعه‌شناسان، احزاب، چرخ‌دنده ماشین دموکراسی و ستون فقرات ارگانیزم جامعه نوین دانسته شده است (مهاجرنیا، ۱۳۹۹: ۱۲۹).

موریس دوورژه^۱ جامعه‌شناس فرانسوی و متخصص احزاب و تشکلهای سیاسی، می‌نویسد: «احزاب جزئی از نظام سیاسی هستند که هدف مستقیم آنها به چنگ آوردن قدرت یا شرکت در اعمال آن است. احزاب در پی آن هستند که در انتخابات کرسی‌هایی به‌دست آورند، نمایندگان و وزاری داشته باشند و حکومت را به‌دست گیرند» (دوورژه، ۱۳۷۵: ۴۳). بنابراین ماهیت احزاب ورود در بازی مبارزه بر سر قدرت و برد و باخت سیاسی است. ایشان تصریح دارد به اینکه در کشورهای مدرن، پیکار سیاسی میان سازمان‌های کم‌وبیش تخصصی اتفاق می‌افتد و احزاب به‌مثابه ارتش سیاسی به‌شمار می‌روند. برخی، احزاب سیاسی را نتیجه شکاف‌ها، اختلافات، چالش‌ها و تنازعات سیاسی موجود در متن جامعه می‌دانند که به‌تدریج در قالب تشکل حزبی به سامان می‌رسد (مهاجرنیا، ۱۳۹۹: ۱۵۷). با عنایت به ساخت قدرت و ساختار جامعه نوین، احزاب کارکردهایی پیدا کرده‌اند که هدف ارادی و مطلوب شهروندان جامعه مدرن هستند.

در منابع و متون سیاسی و جامعه‌شناختی بومی و اسلامی تعریف مستقل و مبتنی بر منابع دینی کمتر دیده می‌شود و نوع تعریف‌ها برگرفته از تعاریف رایج در دنیای جدید است که ناشی از تجربه گفتمانی آنهاست. با همین توجیه تلاش می‌شود با بازخوانی آیاتی که رویکرد تحزب در آنها مطرح شده، ماهیت حزب در اندیشه اسلامی استخراج شود و علی‌القاعده بعد از آن، تعریفی متناسب با گفتمان اسلامی ارائه شود.

۲. مفهوم حزب در چشم‌انداز قرآنی

الف) گاهی واژه حزب در معنای گسترده‌ای، معادل طیف و جناح با ادبیات گفتمانی به‌کار رفته است؛ همانند آیه «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده / ۵۶) و آیه «إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله / ۲۲).

1. Maurice Duverger.

در مقابل برای جناح رقیب نیز به کار رفته است: ﴿أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (مجادله / ۱۹). در این صورت حزب عبارت است از طیف وسیعی از انسان‌ها که براساس مبانی بینشی، آرمان‌ها، جهت‌گیری‌ها و اصول ارزشی در قالب یک گفتمان کلی ایفای نقش می‌نماید.

ب) گاهی حزب با نگاه به عملکرد منفی آن (همانند ایجاد تفرقه و دسته‌بندی) جمعی از انسان‌های همفکر تعریف شده که برخلاف اجتماع امت واحد، به دنبال منافع مشخصی هستند؛ همانند آیه ﴿مَنْ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (روم / ۳۲). آیه دیگر ﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (مؤمنون / ۵۳) است. حزب در هر دو آیه مصداق کسانی تلقی شده است که در دین تفرقه ایجاد کرده و سبب پراکندگی شده‌اند.

پ) در مواردی حزب بر گروه نخبه‌گرایی اطلاق شده که یا در رأس قدرت هستند یا در حاشیه درباره‌ها قرار دارند. این افراد به دلیل جایگاه سیاسی از ساختار تشکیلاتی و انسجام درونی برخوردارند. ﴿وَإِنَّا نَطْلُقُ الْأُمْلَاءَ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ﴾ (ص / ۶). در مقابل دعوت پیامبر ﷺ، جریان اشرافی «ملا» شروع کردند به دور کردن مردم از اطراف پیامبر و دستور ایستادگی بر آیین خداوندگانشان دادند. در سوره قصص خبر از تشکیلات و برگزاری کنگره ملا می‌دهد: ﴿قَالَ يَا مُوسَى إِنِّ الْأُمْلَاءَ يَأْتِمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ﴾ (قصص / ۲۰).

ت) گاهی حزب به جمع منسجم و هدفمندی اطلاق می‌شود که با هدف ایفای یک مسئولیت اجتماعی خاص تشکیل شده است؛ همانند آیه ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۴). اصطلاح «امت» به شکل همسو و هماهنگی اطلاق شده که با هدف دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر دستور تشکیل آن داده شده است. آیه دیگر ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده / ۲) است که در آن به همکاری مشترک و مشارکت جمعی در موضوعات ارزشمند اجتماعی امر شده است. آیه دیگر ﴿إِنَّمَا أُعْطِيَكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَلٍ مُنْتَوِيَةٍ وَقَرَأْدَىٰ ثُمَّ تَضَمُّنًا فَرَأَىٰ بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ﴾ (سبا / ۴۶) است. همکاری در امور ارزشی و هنجاری جامعه و قیام جمعی و تشکیلاتی در راه خدا که از عموم و اطلاق دو آیه استفاده می‌شود، به جریان تحزب دینی اشاره دارد.

ث) گاهی حزب به یک جمع انقلابی و آزادی‌خواه اطلاق می‌شود که در راستای اهداف خود مبارزه می‌کنند؛ همانند گروه جوانان مبارز در عصر دقیانوس (۲۴۹ - ۲۵۱م) در آیه ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾ (کهف / ۹).

ج) گاهی حزب به جمعی اعتقادی اطلاق می‌شود که بر محور باورهای دینی و اخوت اسلامی

سامان یافته‌اند؛ همانند گروه «مؤمنون» در آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾ (حجرات / ۱۰). مؤمنان وحدتی از سنخ اخوت با هم دارند، پس میان برادرانتان را سازش دهید. آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ... وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران / ۱۰۲ - ۱۰۳). در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که فرموده‌اند: «عَلَيْكُمْ بِالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ عُرْوَتِهِ وَ كُونُوا مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ...» (نوری، ۱۴۰۷ق: ج ۱۲، ص ۲۵۶). همچنین فرموده‌اند: «وَلَا تَكُونُوا فِي حِزْبِ الشَّيْطَانِ فَتَضَلُّوا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۹۸).

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (شوری / ۳۸). این جمع معتقد مسائل سیاسی خود را به صورت عقلانیت جمعی و شورایی به سامان می‌رساند.

چ) بر اساس دسته‌ای دیگر از آیات، همانند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالتَّعَدُّوا﴾ (مائده / ۲)، حزب جمع سامان یافته‌ای از مؤمنان است که بر محور ارزش‌های دینی و فضائل اجتماعی با هم همکاری می‌کنند.

رویکردهای هفتگانه فوق دارای اشتراکات و افتراقاتی هستند که می‌توان آنها را در یک دسته‌بندی کلی به چهار دسته تقسیم کرد تا از دل آنها به تعریفی از حزب اسلامی رسید:

۱. آیاتی که با لفظ «حزب» و به معنای گروه و دستجات دارای سازماندهی و برنامه و اهداف مشخص بیان شده؛ همانند گروه دوم ﴿مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (روم / ۳۲).

۲. گروه دیگری با عنوان حزبی و مترادف معنای حزب یا مصداق خارجی حزب به کار رفته است؛ همانند اصطلاح «ملا» که مصداق خارجی یک تشکیلات سیاسی بر مدار قدرت هستند و عملکرد سیاسی دارند.

۳. سومین دسته از آیات، ناظر به عناوین عامی است که از عمومیت آنها تشکیلات حزبی منسجم و هدفمند و بابرنامه استنباط می‌شود؛ مانند ﴿أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَانٍ﴾، «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ» و «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ».

۴. دسته چهارم، عناوینی است که به صورت مطلق به کار رفته‌اند و از اطلاق آنها می‌توان مفهوم یک حزب منسجم با تشکیلات هدفمند و با برنامه را استنباط کرد؛ همانند اصطلاح «امت» که به معنای جماعت هماهنگ و هم‌هدف و دارای وحدت فکری و آرمانی است.

بنابراین از مجموع دسته‌های فوق می‌توان به تعریف اسلامی از حزب به شرح ذیل رسید: «حزب گروه منسجمی از افراد است که دارای اصول و مبانی مشترک هستند که برای رسیدن به اهداف یا انجام یک مسئولیت بزرگ سیاسی اجتماعی، با هم همکاری می‌کنند». به عبارت دیگر حزب در آموزه‌های دینی عبارت است از: «مجموعه منسجمی از انسان‌ها که براساس اعتقاد و عقلانیت جمعی ناشی از اصول و مبانی و آرمان‌های مشترک، درصدد ایفای نقش و مسئولیت سیاسی اجتماعی هستند». روشن است که

این دو تعریف بسیار مشابه هم هستند. آیاتی که وظایف مختلف حزب‌الله در ذیل آنها آمده، نقش اجتماعی تحزب را به‌عنوان مسئولیتی اجتماعی مطرح می‌کنند؛ مثلاً آیه ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (مانده / ۲)؛ یعنی در مسیر نیکی، تقوا، خوبی‌ها، فضایل و ارزش‌ها تعامل داشته باشید و کار را به‌عنوان یک مسئولیت و نه لزوماً برای دستیابی به قدرت (همانند احزاب جدید دنیای غرب) به‌صورت جمعی انجام دهید. بنابراین در تعریف حزب به‌صورت کلی و حزب اسلامی که قبلاً هم اشاره شد، تفاوت جدی وجود دارد. در ابتدای بحث دو رویکرد مطرح شد. یکی نظر مخالفان که اعتقادشان بر این است که اصلاً حزب اسلامی وجود ندارد؛ همان‌طور که روشنفکر دینی وجود ندارد؛ چون این ترکیب پارادوکسیکال است. روشنفکر نمی‌تواند دینی باشد؛ چراکه متکی به عقل به‌عنوان ابزاری خودبنیاد است؛ پس دیگر نمی‌تواند دینی و متکی به وحی باشد و جمع این دو، تناقض است. مخالفان سه اشکال مطرح می‌کنند که قبلاً به آنها مفصل پرداخته شد. یکی اینکه معتقدند حزب اسلامی امتناع ذاتی دارد؛ حزب پدیده مدرنی است که در دنیای غرب شکل گرفته و سنخیتی با دین ندارد. گاهی گفته می‌شود که ممکن است حزب اسلامی ذاتاً محال نباشد، اما مشکل کارکردی دارد؛ یعنی احزاب کارکرد دینی ندارند؛ به‌دلیل اینکه در قرآن در هر یازده باری که اسمی از حزب آمده، به آن نگاه منفی دارد و می‌فرماید حزب، یعنی تفرقه، تشتت در جامعه، ازخودراضی بودن و دنبال منافع شخصی رفتن، ترجیح منافع حزبی و گروهی و جناحی بر منافع جامعه و درنهایت اگر بخواهیم به حزب تن دهیم، همان‌طور که به بسیاری از چیزهای دیگر مثل روشنفکری دینی و جمهوری اسلامی تن دادیم، از باب ضرورت زندگی امروزی است نه اینکه آن مقوله‌ها را اسلامی کرده باشیم؛ همان‌طور که اگر ضرورتی پیش آید، بسیاری از چیزهای حرام، حلال می‌شود و اشکال ندارد. اما در رویکرد دوم اعتقاد موافقان بر این است که حزب، هم امکان ذاتی و هم امکان وقوعی دارد؛ یعنی مصداق کلی آنکه حزب‌الله است، در قرآن مطرح شده و کارکرد مثبت هم دارد که در این باره به تفصیل در طول این مدت توضیح داده شد.

۳. ماهیت حزب در قرآن

مروری بر آیات قرآن در دوره حیات ۲۳ ساله پیامبر اسلام ﷺ و نقل ماجراهای تاریخ رسالت انبیا، بیانگر آن است که وحی علاوه بر ابعاد اعتقادی و نظری به واقعیت‌های اجتماعی نیز نظر داشته و جریان‌ات اجتماعی به‌مثابه واقعیت‌هایی هم‌زاد با شکل‌گیری اولین جامعه بشری از منظر آیات پنهان نامانده است. گزارش رسالت پیامبران از حضرت نوح علیهِ السلام به بعد حاکی از آن است که عنصر جریان‌ی تأثیرگذار بر روند بینش و تفکر، عقاید و گرایش‌ها و کنش‌های اجتماعی، بسیار برجسته است و ادبیات ارزشی انبیا هم حقایق کلی را به‌گونه‌ای بیان کرده است که هم اتفاقات جزئی، موردی، فردی و خارجی را به سطح جریان‌ی و اجتماعی ارتقا داده و هم آنها را منشأ انتزاع برای ورود به حقایق کلی

تلقی کرده است (مهاجرنیا، ۱۳۹۵: ۲۵). نمونه آن در رسالت تک تک انبیا دیده می شود. هر پیامبری که مبعوث می شد عده ای موافق و مخالف داشت. قرآن مخالفان سیاسی را در قالب یک جریان سیاسی به نام «ملا» بازسازی کرده و در همه جا از آن یاد می کند؛ به گونه ای که در ادبیات قرآنی ملا یک اصطلاح جریان‌ی در روند تاریخ انبیا شده است. قرآن در مرحله بعد این جریان را به یک جریان کلی تر مانند کافرون و کاذبون ارجاع داده و آن را در ذیل بالاترین لایه جریان‌ی به نام حزب شیطان بازسازی مجدد می کند و سپس با یک حکم کلی در مورد آن می فرماید: ﴿أَوَلَيْكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (مجادله / ۱۹)؛ آن مخالفانی که انبیا را تکذیب کرده و جزو اشراف و ملا بودند، بخشی از حزب شیطان هستند و حزب شیطان نیز در هندسه وحی جایگاه مشخصی دارد. همان طوری که در طیف مقابل ابتدا انسان های خارجی را دعوت به ایمان کرده و می گوید: «اغْبِدُوا لِلَّهِ» بعد که ایمان آوردند با ارتقای آنها به جریان اعتقادی «مؤمنون» آنها را در سطح خواص مورد توجه خداوند مطرح کرده و می گوید: ﴿أَوَلَيْكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ (مجادله / ۲۲)؛ یعنی این افراد مؤید و مرضی خداوند هستند. در نهایت با ارتقای جایگاه جریان‌ی آنها به بالاترین سطح می فرماید: ﴿أَوَلَيْكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (مجادله / ۲۲)؛ این جریان در بالاترین سطح خود قرار می گیرد که در هندسه الهی در جایگاه ثابت خود با عنوان ﴿هُمْ الْغَالِبُونَ﴾ و ﴿هُمْ الْمُفْلِحُونَ﴾ قرار می گیرند. اما نگاه جریان‌ی در آموزه های وحیانی در مرتبه بالاتر به دو پارادایم غیرجریان‌ی حق و باطل می رسد و می فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ (محمد / ۳). در اینجا تمام جریان حزب الله و حزب الشیطان زیرمجموعه حق و باطل قرار داده می شوند. فلسفه تاریخ دین و رسالت انبیا آن است که نظام دوپارادایمی را به نظام حق محور برساند؛ لذا با آمدن سلسله انبیا و خاتم رسولان ﷺ ضمن تصدیق انبیای گذشته، پایان تاریخ ادیان قبلی و آیین های تحریف شده ای را که تا دوره ظهور اسلام باقی مانده بود اعلام و دین حق و جامع را معرفی می کند: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء / ۸۱) و در پایان تاریخ هم با جمع آوری غائله دوپارادایمی حق و باطل، سرنوشت بشر را به رسم وراثت تقدیم جریان حق می نماید: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (قصص / ۵ - ۶).

جریانات حزبی و تشکل های موجود در آیات را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) دو جریان فکری کلی و گسترده با عنوان حق و باطل.

ب) جریان های فکری با عنوان حزب الله و حزب الشیطان.

پ) جریان‌های سیاسی منحرف تکفیری و اپوزیسیونی حزب‌الشیطانی به نام ملأ و مترفین.
 ت) جریان‌های ارزشی سیاسی اجتماعی مؤمنون که به تناسب محور فعالیت، متنوع و متکثر می‌شوند.
 ث) جریان‌های التقاطی اهل نفاق که در منطق قرآنی، بخشی از جریان تکفیری حزب‌الشیطان تلقی می‌شوند. ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾ (حشر / ۱۱).

۴. رویکردهای اساسی به تحزب در جامعه اسلامی

چهار رویکرد اساسی در باب تحزب اسلامی در جامعه وجود دارد: یک رویکرد از ناحیه تجددگرایان است که چون اصالت را در بنیادهای فکری غرب می‌بینند، معتقدند همان‌طوری که «علم دینی» و «روشنفکر اسلامی» پارادوکسیکال است، حزب اسلامی هم متناقض‌نماست؛ زیرا در دنیای غرب علم یعنی «علوم تجربی» که تجربه مدرنیته است و حزب همانند روشنفکری یعنی اتکا بر عقلانیت ابزاری خودبنیاد، و اینها با خدامحوری و ایمان‌گرایی و وظیفه‌مداری دینی ناسازگار هستند. بنابراین حزب اسلامی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

رویکرد دوم مخالفت با تحزب اسلامی منسوب به برخی از شریعت‌گرایان اخباری‌مسلک است و دلایل هفتگانه آنها به شرح ذیل است: دلیل اول برای مخالفت با حزب اسلامی، فقدان نص است. آنها می‌گویند که ما برای حزب امروزی نه از آیات قرآن دلیلی داریم و نه از روایات. بنابراین تحزب پایه مشروعیت دینی ندارد. دلیل دوم اینکه قرآن همیشه از حزب، گروه، فرقه و ... به بدی یاد کرده و آن را عامل تفرقه دانسته است. دلیل سوم اینکه حزب با ادله ولایت فقیه تعارض و در مقام عمل تزامم دارد. دلیل چهارم اخباری‌مسلکان این است که می‌گویند در تحزب، منافع حزبی بر منافع عمومی ترجیح داده می‌شود و براساس دیدگاه قرآن ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ است. دلیل پنجم آنان این است حزب باعث سلب آزادی و اراده از اعضا می‌شود. آنان در دلیل ششم می‌گویند که وابستگی حزبی، نظام شایسته‌سالاری را از بین می‌برد. هفتمین دلیل آنان این است که تحزب با این همه کاستی و معایب اگر مزایای اندکی هم داشته باشد، مرجوح است.

رویکرد سوم تفکر «اسلامی‌سازی» و «بومی‌سازی» حزب است. نظریه‌پردازان این دیدگاه با توجه به اینکه می‌خواهند همان تجربه غرب را به اسم بنای عقلا، اسلامی یا بومی کنند و مستقیم سراغ عقلانیت و حیانی و مبانی دینی و قرآنی و روایی نمی‌روند، دنبال تطهیر ذبیحه مدرنیته هستند. مشکل این تفکر برای تحزب اسلامی، بیشتر از مخالفان آن است.

روش اسلامی‌سازگرایان در مبناترashi و الصاق آیات و روایات به دانش و تجربه وارداتی، موجب می‌شود که این تفکر به دلیل تأخر زمانی و جبران ناکارآمدی و گاهی با ژست اینکه ما چیزی از غرب و مدرنیته کم نداریم، به بومی‌سازی و اسلامی‌سازی حزب روی بیاورند.

چهارمین رویکرد در تحزب اسلامی دیدگاه یک جریان فکری در جامعه است که به «تولید دینی» معتقد است. همان‌گونه که «علم دینی» و «روشنفکر دینی» و «عقل دینی» و «جامعه اسلامی» و «دولت اسلامی» و «تمدن اسلامی» براساس اسلام و منبع وحی و قرآن قابل اجتهاد و استنباط و تولید متناسب با اقتضائات امروزی است، دانش «حزب اسلامی» هم براساس آموزه‌های وحیانی، تجربه اسلامی و عقلانیت دینی قابل تولید و ارائه است. البته تجربه بشری نیز به‌مثابه احکام امضایی و بنای عقلا به سامانه تولید کمک می‌کند. در میان متفکران، اندیشه تولیدی، روش‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد. یک رویکرد اجتهادی همانند امام خمینی وجود دارد که در تولید دانش و اندیشه اسلامی به ضرورت‌های عقلی اهمیت زیادی می‌دهد، تا آنجا که در بیان ضرورت نظام ولایی فقیه‌محور در دوره مدرن، معتقد است تصور مجموعه دین، باورها و احکام دینی، مجتهد را قانع می‌کند که بدون مراجعه به آیه و روایت به بداهت و ضرورت عقلی به وجود حکومت اسلامی رأی بدهد (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۹). بر این اساس، تصور تحزب اسلامی در نظام ولایی را با کارکردهای مثبت و بسیار مهم آن، ملاحظه عقلی، ضروری می‌کند. در کنار این رویکرد، دیدگاه‌هایی وجود دارد که نقش نصوص را برجسته‌تر از عقل می‌دانند. مع‌الوصف براساس این مبنا نیز به‌دلیل کفایت نصوص و معاضدت حکم عقل، وجود حزب و تشکل اسلامی لازم می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۱۲ - ۲۸).

۵. کارویژه‌های تحزب اسلامی

مروری بر آیات و روایات مربوط به تحزب و عقلانیت جمعی در تشکلهای سیاسی، مجموعه‌ای از نقش‌ها و کارکردهای مثبت را بیان می‌کنند که برخی از آنها به‌دلیل ابتدای عقلی با تجربه‌های عقلایی اشتراک دارند و جامعه‌شناسان و فیلسوفان سیاست آنها را در باب احزاب موجود در جهان مطرح کرده‌اند. بررسی مجموعه آیات نشان‌دهنده آن است که حزب اسلامی به‌منزله اجتماع مؤمنان می‌تواند در اصلاح جامعه و ایجاد ثبات و امنیت تأثیرگذار باشد؛ همان‌طوری که حزب غیراسلامی منشأ تفرقه و تشتت و درنتیجه زمینه‌ساز فساد در جامعه است.

نظر به اینکه بنای بر اختصار است با ارجاع به اثر نگارنده در رویکرد فقهی به تحزب اسلامی به عناوین کلی کارکردهای حزب اسلامی اشاره می‌شود.

۱. امر به معروف و نهی از منکر؛

۲. آموزش و افزایش سطح آگاهی عمومی؛

۳. گسترش عقلانیت و تعدیل هیجانات توده‌ای و افراط‌گرایی؛

۴. جهت‌دهی به تمایلات اجتماعی و افکار عمومی؛

۵. تجمیع‌کننده منافع مردم؛

۶. حلقه واسط بین ملت و حکومت در جلوگیری از شکاف؛
۷. افزایش مشارکت در نظام اسلامی؛
۸. تبدیل‌کننده مشارکت توده‌ای به مشارکت نهادمند؛
۹. تمرکززدایی از قدرت و ابتناسازی تصمیم‌گیری‌ها و قانون‌گذاری‌ها بر اساس اراده و افکار عمومی؛
۱۰. جلوگیری از استبداد و دیکتاتوری در نظام اسلامی؛
۱۱. مکانیزم جلب رضایت عامه در مدیریت جامعه؛
۱۲. ایجاد وحدت و همدلی در جامعه اسلامی؛
۱۳. نمایندگی رسمی از افکار عمومی؛
۱۴. نظارت بر قدرت در نظام اسلامی؛
۱۵. رقابت گفتمانی سالم در جامعه اسلامی؛
۱۶. تخصصی شدن امور در جامعه اسلامی؛
۱۷. پیشنهاد‌های کارشناسی به مدیریت کلان جامعه؛
۱۸. گفتمان‌سازی برای تفاهم اجتماعی در جامعه اسلامی (مهاجرنیا، ۱۳۹۹: ۲۲۳).

۶. اصول تحزب اسلامی

یکی از ویژگی‌های احزاب، داشتن اساس‌نامه، مرام‌نامه، برنامه کاری و بیانیه مأموریت و به اصطلاح حزبی داشتن مانیفست حزبی است. بعضی از آیاتی که مفسران راجع به حزب استفاده کرده‌اند، نوعی مرام‌نامه و مانیفست تشکیلاتی و جمعی قابل استفاده است. از جمع‌بندی تفاسیر آیه «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله / ۲۲) اصول تحزب اسلامی، شامل یک مانیفست کامل استنباط می‌شود. مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها، مأموریت‌ها، رسالت‌ها و چشم‌اندازهای کلی احزاب را می‌توان در همین یک آیه به‌دست آورد که شرایط تحقق حزب اسلامی هستند. در این قسمت این نکات را به‌مثابه اصول یک حزب اسلامی بیان می‌کنیم.

۱-۶. کار جمعی

اولین نکته قابل برداشت از این آیه آن است که در ابتدای آن واژه قوم آمده و موضوعیت دارد؛ یعنی به فرد اشاره نکرده؛ بلکه فرموده «لَا تَجِدُ قَوْمًا» که این عبارت نکره در سیاق نفی است و ما از اطلاق آن برداشت می‌کنیم که هیچ فرد، هیچ گروه، تشکیلات، جمعیت، حزب، جبهه یا هیچ طیفی نمی‌یابید که ...

بنابراین این آیه با واژه «قوم» در جمله منفی بیان شده است و قوم مصادیق متعددی دارد؛ یک مصداقش قوم به معنای جمع همراه، اما غیرمرتبط مثل مسافران یک قطار است. مصداق دیگرش قوم به معنای یک قبیله و تبار نسبی یا سببی است و مصداق دیگر آن، قوم به معنای جمع تشکیلاتی هماهنگ و همفکر مانند اعضای یک حزب سیاسی است. از آنجاکه قوم مطلق آمده است از اطلاق آن همه این مصادیق را می‌توان استفاده کرد. پس یکی از شرایط تحقق تحزب اسلامی برخورداری از جمع تشکیلاتی است.

۲-۶. ایمان قلبی

دومین شرط تحقق حزب اسلامی طبق آیه شریفه، ایمان قلبی و حقیقی به مبدأ و معاد است که جزو ویژگی‌ها و اصول و مبانی این قوم تشکیلاتی ذکر شده است. در آیه آمده است: «هیچ قوم، جمعیت، تشکیلات یا گروهی پیدا نمی‌کنید که به مبدأ و معاد و قیامت ایمان داشته باشد و ...» معنای مثبتش آن است که همه قوم‌ها این‌چنین هستند. اعتقاد و ایمان به خدا و پیغمبر و کتاب و قیامت، یکی از ویژگی‌هایی است که تک‌تک و مجموعه این قوم باید داشته باشند. یکی از اصول و مبانی اساسی حزب برخورداری از باورهای ایمانی و اعتقادی در میان اعضا و مجموعه آن است.

۳-۶. تبری از دشمنان اعتقادی

ویژگی سوم طبق این فراز از آیه «يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» دوستی نکردن با دشمنان خدا و رسول خداست. تشکیلاتی که ایمان و اعتقاد دارند، امکان ندارد دوست دشمنان خدا و پیغمبر باشند و با دشمنان دین تباری و رفاقت کرده، با آنها هم‌پیمان شوند و تحت پوشش و ولایت آنها بروند. حزب اسلامی خط و مرزی دارد. تولی و تبری خطوط قرمزی هستند که نحوه اثبات آنها با دوستان و دشمنان خدا تعیین شده است. حزب اسلامی ممکن نیست تحت ولایت دشمنان خدا و پیغمبر و مؤمنان قرار گیرد. بنابراین یکی دیگر از اصول و مواد مانیفست و مرام‌نامه حزب اسلامی این است که حزب اسلامی با دشمنان خدا رابطه دوستی و ولایی برقرار نمی‌کند. ارتباط و معامله و مذاکره‌ای هم که دارد، غیر از دوستی است؛ یعنی به‌لحاظ اعتقادی و قلبی، حب و تمایلی به آنها ندارد. لذا حساب ارتباط و معامله و مذاکره با آنها جداست.

۴-۶. دوری از تعصبات

یکی از اصول مرام‌نامه حزب اسلامی دوری کردن از دوستی‌ها و تعصبات عشیره‌ای و قومی است. به تعبیر بهتر، نوع روابط حزب اسلامی با بیرون از خود نباید براساس تعصبات و قومیت و روابط خویشاوندی باشد؛ بلکه حزب براساس شایسته‌سالاری عمل می‌کند. در انتخابات به شخص اصلح

رأى می‌دهد، نه به فامیل یا قوم و قبیله یا هم‌باند خویش. ممکن است حزبی به کسی رأی دهد که اصلاً عضو آن حزب نباشد، ولی انسان شایسته‌ای باشد. بنابراین اعضای حزب نباید براساس مناسبات و روابط بین خود عمل کنند.

این آیه به اعتقادات هم اشاره می‌کند و می‌فرماید کسانی را که کفر پیشه کردند یا به اصطلاح امروزی اپوزیسیون انقلاب اسلامی یا اپوزیسیون حکومت پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ هستند، به دوستی نگیرند؛ هرچند پدر، برادر، قوم و خویش باشند.

ائمه ﷺ فرموده‌اند: «نحن حزب الله؛ ما حزب خدا هستیم» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۸، ص ۱۴۴). پس ما که می‌خواهیم حزب الهی باشیم، نمی‌توانیم در جریان و حزبی قرار بگیریم که دشمن امیرالمؤمنین ﷺ است؛ هرچند اعضای آن حزب پدر و مادر و قوم و خویش ما باشند. کسی که عضو حزب امیرالمؤمنین است، نباید با دشمن دین خود، ولو پدر و مادر او هم باشند، رابطه برقرار کند. بر این اساس در حزب اسلامی جهت‌گیری‌ها و نوع روابط براساس ارزش‌های دینی تعیین می‌شود.

ع۵. باور به حمایت الهی

حزب اسلامی حزبی است که اعتقاد دارد مورد عنایت الهی است. عبارت‌های «وَأَيُّهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» یا «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» که در آیه حزب‌الله هم هست، یعنی این‌گونه احزاب مورد رضایت الهی هستند و خدا به ایشان کمک می‌کند و آن زمانی است که همه ضوابط و قواعد برقرار باشد، حزب براساس رفتار دینی عمل کند و در آن، اساس‌نامه، آیین‌نامه، مرام‌نامه، رفتار و نوع رویکردها براساس دین تعیین شود و رضایت الهی در نظر گرفته شود. انتهای آیات حزب‌الله عبارت «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده / ۵۶) و «هُمْ الْمُفْلِحُونَ» آمده، به این معنی که آنان که مورد تأیید الهی هستند، غالب‌اند. به عبارت دیگر، خدا کسی را غالب می‌کند که در حزب خود یعنی حزب‌الله باشد. خدا سوگند یاد کرده است «كَتَبَ اللَّهُ لِلَّهِ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي» (مجادله / ۲۱) یعنی جبهه دین غالب است؛ بنابراین کسی که در حزب الهی قرار گیرد، مورد عنایت حق است و پیروز می‌شود.

ع۶. اعتقاد به بهره‌مندی از زندگی جاودانه

زندگانی جاودانه بهشتی یکی از آرمان‌های انسان مؤمن و عضو یک حزب است. ممکن است کسی ادعا کند موضوع حزب سیاست است و قیامت و بهشت و جهنم را شامل نمی‌شود و حزب سکولار کاری با خدا و پیغمبر ندارد. ولی در حال در حزب اسلامی اگر اعتقاد به خدا و بهشت و جهنم و قیامت و معاد و رجعت وجود نداشته نباشد، فقه آن را تأیید نمی‌کند و دیگر اسلامی نیست. بنابراین وقتی مرام‌نامه حزب نوشته می‌شود، باید با افتخار این اعتقادات را در آن آورد. اعتقادات ما همین است و

نمی‌خواهیم از حزب غربی در اسلام الگوسازی کنیم؛ بلکه می‌خواهیم حزب اسلامی و نگاه قرآن به آن را کشف کنیم. اگر ادعا شود که حزب در دنیای غرب وجود دارد و ما از تجربه بشر استفاده می‌کنیم و براساس آن حزب درست می‌کنیم، این همان الگوگیری، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی از آن چیزی خواهد بود که وجود دارد. اما در مواردی که خودمان نمونه داریم، نیاز نیست الگو بگیریم. البته از تجربیات آنها استفاده می‌کنیم، از تجربه کفار هم می‌شود استفاده کرد؛ اما از آنها الگو نمی‌گیریم. از پیروزی‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌های آنها و از اینکه چطور و از کدام راه‌ها رفته‌اند، بهره می‌بریم، روشی را که آنان برای رسیدن به پیروزی پیش گرفته‌اند، بررسی می‌کنیم تا ما هم از همان روش استفاده کنیم. اما مبانی ما غیر از مبانی و اصول فکری ما غیر از اصول فکری آنان است؛ لذا دنبال الگوگیری و اسلامی‌سازی حزب نیستیم؛ بلکه دنبال کشف و استنباط و استخراج مؤلفه‌ها و عناصر و آیین تحزب در منابع دینی هستیم. از مجرای فقه وارد قرآن می‌شویم تا معنای آیات را هم به‌خوبی بفهمیم.

۷-۶. باور به رضایت الهی

در ادامه آیه حزب‌الله آمده است: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾. در حزب اسلامی کسانی هستند که متدین و الهی بوده و رضایت الهی را در نظر می‌گیرند. حزب الهی دنبال زدوبندهای سیاسی و اجتماعی نیست و هنگام انتخابات، مصالح عموم را در نظر می‌گیرند. حزب اسلامی دنبال این است که جناح خدا پیروز شود و کار خوب، خوب انجام شود. دیگر فرقی نمی‌کند چه کسی آن را انجام دهد و آن شخص، عضو حزب ما هست یا نیست. اینها ملاک‌هایی است که باید در مانیفست حزب اسلامی گنجانده شود.

۸-۶. آرمان سعادت

یکی از اصول تحزب جهت‌گیری به سمت سعادت و فلاح و خوشبختی است. انتهای چند آیه‌ای که راجع به حزب در قرآن وجود دارد، عبارات ﴿فَإِنَّ حزبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ یا ﴿إِنَّ حزبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ آمده، یعنی پایان کار این حزب فلاح و پیروزی و سلامت و سعادت و خوشبختی است و برای حزب رقیب این‌گونه نیست. بار معنایی این کلمات حائز اهمیت است. به قول فقها بعضی از حروف و کلمات و اسامی در جمله معنا دارد. ﴿فَإِنَّ حزبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ یعنی فقط حزب‌الله غالب است و حزب شیطان غالب نیست. اینکه حزب‌الله در نهایت مفلح و سعادت‌مند و خوشبخت می‌شوند، یعنی پایان کار حزب شیطان، حزب استکباری، لیبرالی، منافق، فدایی، اقلیت، اکثریت و همه احزابی که غیر حزب‌الله هستند، فلاح و سعادت نیست. این آیات دقیقاً مرام‌نامه حزب اسلامی را بیان می‌کند.

۹-۶. پذیرش ولایت الهی

وفاداری به ولایت خدا و رسول خدا، امامان معصوم و ولایت فقیه یکی از اصول تحزب اسلامی است.

مجموعه نصوصی که از آیات و روایت استخراج می‌شود، به این چهار وفاداری اشاره می‌کند. ما باید وفاداری خود را به خدا، پیغمبر، امام معصوم و ولی فقیه ثابت کنیم؛ یعنی باید تعلق قلبی و به تعبیر انتخاباتی، التزام نظری و التزام عملی به این چهار اصل داشته باشیم. قبل از التزام عملی به خدا و پیغمبر و امام معصوم و ولی فقیه، باید التزام اعتقادی پیدا کنیم؛ یعنی باید به اینها باور داشته باشیم. امام صادق (ع) فرموده‌اند ولی فقیه جانشین امام زمان است و ما او را با شرایطی که گفته شد، منصوب می‌کنیم. اگر کسی او را رد کند و حرف او را نپذیرد مانند این است که حرف خدا را نپذیرفته است. پس حزب اسلامی باید ذیل ولایت تعریف شود و با ولایت فقیه تعارضی نداشته باشد.

۶-۱. باور به پیروزی و غلبه بر دشمنان

آخرین ویژگی در این دو آیه غلبه نهایی حزب‌الله بود. بنابراین کسی که عضو این‌گونه حزبی می‌شود، باید حس کند که به بهشت می‌رود، به هدایت و نجات می‌رسد و در وضع موجود در مسیری قرار می‌گیرد که رضایت الهی به دنبال آن است و پیروز می‌شود؛ هرچند به لحاظ ظاهری شکست بخورد؛ زیرا پیروزی فقط در عرصه عمل نیست؛ بلکه پیروزی مجموعه عمل و نظر است و زیربنای پیروزی اعتقادات و مانیفست است. مانیفست ما پیروز است گرچه کاندیدای ما رأی نیاورد. تفکر مبنایی و اعتقادات ماست که پیروز می‌شود. وقتی طبق وظایف خود عمل کرده و رضایت الهی را جلب کرده‌ایم، پیروزیم؛ هرچند در انتخابات شکست بخوریم.

۷. حزب در قانون اساسی جمهوری اسلامی

در اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «حزب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

مبنای و اهداف نظام اسلامی، در اصل ۲ قانون اساسی بیان شده است و اصل سوم دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌داند تا برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای تحقق امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛
۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌های با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛

۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛
 ۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛
 ۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛
 ۶. محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛
 ۷. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛
 ۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛
 ۹. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛
 ۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور؛
 ۱۱. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور؛
 ۱۲. پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت، و تعمیم بیمه؛
 ۱۳. تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها؛
 ۱۴. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛
 ۱۵. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛
 ۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.
- به باور این نوشتار تحقق این اهداف توسط دولت اسلامی در بیشتر موارد با استفاده از سازوکار احزاب تسهیل و امکان‌پذیر می‌شود و حزب اسلامی می‌تواند به‌مثابه موتور محرکه و چرخنده مردم‌سالاری دینی و پیشران مهم در کنار مردم و دولت اسلامی در شرایط کنونی نقش‌آفرین باشد و دولت باید از ظرفیت‌های حزب اسلامی در وحدت ملی، افزایش مشارکت، کاهش التهابات انفجاری و ترویج ارزش‌های اسلامی و بسط امر به معروف و نهی از منکر در کشور به‌عنوان یک راهبرد اساسی استفاده نماید.

نتیجه

برخلاف واقعیت حزب در دنیای معاصر که عمدتاً دنبال کسب قدرت و افزایش مشارکت است، حزب در تلقی اسلامی گروه منسجمی است که براساس اعتقاد و عقلانیت جمعی ناشی از اصول و

مبانی مشترک، به دنبال ایفای مسئولیت اعتقادی و نقش اجتماعی خود است. یکی «قدرت‌محور» و دیگری «مسئولیت‌محور» است. یکی قدرت را هدف می‌داند و دیگری آن را ابزار هدایت و انجام وظیفه می‌بیند. فلسفه حزب غربی «بودن در قدرت» است؛ اما فلسفه حزب اسلامی «شدن در قدرت» و عبور از قدرت است. در تفکر غربی قدرت برای قدرت و در تفکر اسلامی قدرت برای حرکت است. حزب اسلامی با عقلانیت جمعی ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾ و مشارکت ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ و با مسئولیت ﴿يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾ و ﴿وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ قدرت سیاسی را از سنخ امانت الهی می‌بیند و آن را به شایستگان ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا﴾ واگذار می‌کند. مانیفست حزب اسلامی بر پایه ﴿تَقْوُمُوا لِلَّهِ مَتْنًى وَفُرَادًى﴾ سامان یافته است. به همین دلیل حزب اسلامی براساس مرام‌نامه، محصور و معطوف به قدرت نیست. در هر مسئولیت اجتماعی‌ای که «ایمان و عمل صالح» اقتضا کند حزب اسلامی پیش‌قراول و موتور محرکه حرکت اجتماعی و چرخ‌دنده مردم‌سالاری دینی است.

در لسان وحی، همه جریان‌های فکری و سیاسی مثبت و منفی در قالب دو اصطلاح کلی «حزب‌الله» و «حزب‌الشیطان» بازسازی شده‌اند و به نوعی برای هر کدام مرام‌نامه بیان شده است. ایمان به خدا، پذیرش رسالت پیامبر ﷺ و اعتقاد به روز قیامت از مبانی حزب اسلامی است. همان‌طور که تولی و تبری مبنای رفتاری است، حزب اسلامی از دوستی و تعصبات عشیره‌ای، قومی و قبیله‌ای به‌دور است.

حزب از منظر اسلام دارای اصول و مبانی و کارویژه‌هایی است که مهم‌ترین کارکرد آن را در «قیام‌الله» می‌توان خلاصه کرد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
۲. بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۸۶)، فرهنگ جدید عربی فارسی: ترجمه منجد الطلاب، ترجمه محمد بندرریگی، تهران: اسلامی، چاپ بیستم.
۳. الجری، خلیل، (۱۳۸۰)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: امیرکبیر، چاپ یازدهم.
۴. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، قم: آل البيت.
۵. حزب از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، (۱۳۸۷)، احزاب سیاسی در ایران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
۶. خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. _____، (۱۳۸۱)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم.
۸. دوورژه، موريس، ۱۳۵۷، احزاب سیاسی، ترجمه رضا علمی، تهران: امیرکبیر.
۹. راغب اصفهانی، محمد، (۱۳۶۲)، المفردات، تهران: المكتبة المرتضوية.
۱۰. _____، (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ قرآن، دمشق: دار القلم.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۳)، درآمدی بر فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر.
۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی (بازنگری شده در سال ۱۳۶۸).
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۵. گروه مطالعات و پژوهش‌های قرآنی، (۱۳۸۸)، فرهنگ کاربردی واژگان قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۷. مصطفی، ابراهیم و دیگران، (۱۳۹۲ق)، المعجم الوسیط، استانبول: دار الدعوه.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ سی و دوم.
۱۹. مهاجرنیا، محسن، (۱۳۹۴)، فلسفه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. _____، (۱۳۹۵)، جریان‌شناسی تفکر سیاسی در جهان اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. _____، (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی جریان اصول‌گرایی، قم: نور مطلق.
۲۲. _____، (۱۳۹۹)، درآمدی بر فقه تحزب در نظام اسلامی، قم: مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر.
۲۳. نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۴۰۷ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

